



گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین معراجی



اشاره :

نخستین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در آبان ماه ۱۳۶۶ تشکیل شد و طی آن ۲۱۵ ناشر داخلی و ۱۹۶ ناشر خارجی کتاب‌های خود را عرضه کردند. دومین نمایشگاه در اردیبهشت ۱۳۶۸ تشکیل شد و پس از آن همه ساله نمایشگاه در اردیبهشت ماه با شرکت ناشران ایرانی و خارجی برگزار می‌شود. تعداد ناشران شرکت‌کننده در این نمایشگاه و نیز تعداد بازدیدکنندگان از آن هر ساله افزایش یافته است. برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، بزرگترین رویداد فرهنگی در کشور محسوب می‌شود و در توسعه فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی نقش عمده‌ای دارد. استقبال مردم از این نمایشگاه نشان می‌دهد که، در صورت توزیع مناسب و دسترسی مردم به کتاب، می‌توان انتظار داشت که تیراژ کتاب به طور بی‌سابقه‌ای افزایش یابد. نمایشگاه از دو بخش ناشران داخلی و خارجی تشکیل شده که بخش خارجی شامل ناشران لاتین و ناشران عربی است. برای ارزیابی عملکرد و فعالیت‌های بخش ناشران عربی نمایشگاه کتاب تهران، گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین معراجی کارشناس برجسته کتاب و از دست‌اندرکاران این بخش انجام دادیم. ایشان با تجربه بیش از یک دهه برگزاری و شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و همچنین به عنوان مدیر دو کتابخانه تخصصی که خریدار کتاب‌های روز عربی است، اطلاعات ارزنده‌ای را در اختیار کتاب ماه کلیات قرار دادند.

بخش کتاب‌های عربی نمایشگاه؛ کاستی‌ها و راه‌کارها

■ با سلام و عرض تشکر، لطفاً در رابطه با بخش عربی نمایشگاه کتاب تهران و چگونگی حضور ناشران عرب در آن، توضیح دهید؟

□ برای حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، مانند همه نمایشگاه‌های دیگر دنیا، نخست فراخوان انجام می‌گیرد و از ناشران در سطح بین‌المللی، از طریق سفارتخانه‌های ایران و رسانه‌های گروهی، برای شرکت در این نمایشگاه دعوت به عمل می‌آید و برای ناشران شناخته شده هم، قبل از نمایشگاه دعوتنامه ارسال می‌شود. به نظر بنده حضور ناشران عرب در نمایشگاه کتاب تهران تقریباً خوب است و آنها که از این نمایشگاه اطلاع پیدا می‌کنند، در آن حاضر می‌شوند. در حالی که بسیاری از این ناشران عرب در نمایشگاه‌های معتبر دیگر، مانند نمایشگاه کتاب قاهره، حضور پیدا نمی‌کنند و کتابهایشان را توسط نمایندگی‌هایشان عرضه می‌کنند. این حضور مستقیم، شاید خود دلیل و نشانه‌ای باشد بر اهمیتی که این قبیل ناشران برای نمایشگاه تهران قائل هستند.

اما برغم این حضور نسبتاً خوب، ما در بخش اطلاع‌رسانی به ناشران عرب ضعف داریم و در بسیاری موارد اتفاق افتاده که ما به ناشران بسیار خوب و فعالی برخوردیم که از زمان و نحوه حضور در این نمایشگاه بی‌اطلاع بوده‌اند و این مسأله به نظر من نقص بزرگی است.

■ با توجه به این که ایران تقریباً در تمام کشورهایی که به نحوی تولید کتاب دارند، نماینده و رایزنی فرهنگی دارد، این ضعف و نقص چگونه توجیه می‌شود؟

□ این سؤال بسیار خوب و دقیقی است و متأسفانه این ضعف و نقص کاملاً احساس می‌شود و متأسفانه اگر فعالیت و کاری هم در خارج صورت می‌گیرد، به صورت موردی و با توجه به توان و قابلیت فردی است و نهادینه و گسترده نیست. این در حالی است که این اطلاع‌رسانی و به طور کلی تعامل و تبادل فرهنگی، جزو وظایف اولیه آنهاست.

اگر بخواهم یک نمونه برای شما عرض کنم - البته نام رایزن و کشور محفوظ است - مربوط به سفری است که اخیراً برای حضور در نمایشگاه کتاب به کشوری آفریقایی انجام دادیم. در این سفر بنده و همکارانم حوزه کتاب در آن کشور را بسیار گسترده و خوب یافتیم، در حالی که کتاب‌هایی که از آن کشور توسط ناشران واسطه به نمایشگاه تهران آورده می‌شود، بخش بسیار ناچیزی از محصولات آن کشور است.

برای پیگیری بیشتر و مشورت و برقراری ارتباط، به سراغ رایزن فرهنگی کشورمان در آنجا رفتیم، باور کنید ما نتوانستیم حتی به طور تلفنی با ایشان تماس بگیریم، خوب!! شما ببینید در حالی که این بزرگترین رویداد فرهنگی آن کشور بود و می‌توانست بهترین پل ارتباطی فرهنگی کشور ما با آنها باشد، رایزنی ما در آنجا توانست چه نقشی ایفا کند؟ و نمونه‌های مشابه که به دلیل ضعف ما، همه فرصت‌ها به سرعت و آسان از دست می‌رود.

در آن نمایشگاه به ناشرانی برخورد کردیم که کتاب‌های بسیار خوبی داشتند اما از چگونگی نمایشگاه کتاب تهران بی‌اطلاع بودند. در موارد دیگر، رؤسای اتحادیه ناشران برخی کشورها، مثل رئیس اتحادیه ناشران تونس، از نمایشگاه کتاب تهران اطلاع کافی نداشتند. در حالی



که آنها مشتاق بودند که در این نمایشگاه حضور یابند. به هر حال اگر اطلاع‌رسانی خوب و جامعی با بهره‌گیری از امکانات و توانایی‌های موجود کشور در خارج صورت گیرد، ما در آینده نزدیک، بخش عربی بسیار بسیار فعال و خوبی خواهیم داشت.

■ به نظر شما، ارزیابی و گزینش کتاب‌های بخش عربی برای نمایش و عرضه چگونه است و آیا اعمال محدودیت در آن صحیح است؟

□ تصور من این است که هر کشوری در بخش‌های مختلف، ملاک‌ها و معیارهایی را در نظر می‌گیرد که مصالح ملی آن رعایت شود. این مسأله در همه دنیا وجود دارد، حتی در کشورهایی که مدعی آزادی در عرصه‌های گوناگون هستند.

در کشور ما هم، کارشناسان مربوط، قبل از نمایشگاه بررسی می‌کنند و با توجه به مسایل اعتقادی، به‌ویژه مباحث کتاب‌های ضاله و کتاب‌هایی که سرشار از توهین و افترا و تهمت است و کیان تشیع را هدف قرار داده و... نظرات خود را اعلام می‌کنند.

البته اعتقاد شخصی بنده، ورود آزاد کتاب و عدم محدودیت آن است اما واقعیتی را که نباید نادیده گرفت، آن است که این نوع کتاب‌ها باید در اختیار اهل آن و کسانی که توان تجزیه و تحلیل آن را داشته باشند قرار گیرد. به عنوان نمونه اگر کتابی که مملو از خلاف، تهمت و افترا به کیان تشیع است را در اختیار کسی که هنوز اطلاعات درستی از مبانی تشیع و مذهب خودش ندارد، قرار دهید، خوب! شما همه چیز را تخریب کرده‌اید و این در هیچ کجا پذیرفته نیست.

به هر حال و علی‌رغم میل باطنی، به نظر می‌رسد ما ناچار از

اعمال برخی محدودیتها از نگاه و منظر عمومی باشیم. اما همین کتاب‌های به اصطلاح ممنوع، باید در کتابخانه‌های تخصصی و برخی مراکز علمی در اختیار پژوهشگران و محققان قرار گیرد تا آنها بتوانند در پژوهش‌ها و مطالعات خود، از آن استفاده کنند.

■ یکی از مسایلی که شاهد آن هستیم، عرضه بسیار گسترده و آسان کتاب‌های اهل سنت در بازار ایران به ویژه در نمایشگاه کتاب است. اما در مقابل، کشورهای دیگر به خصوص کشورهای عربی، برای ورود کتاب‌های ایرانی و شیعی، سخت‌گیری و محدودیت‌های بسیاری قائلند. به عنوان نمونه، برای ناشران ما جهت ورود کتاب تفسیرالمیزان نیز محدودیت‌های بسیار دارند. در حالی که در همین نمایشگاه تهران، کتاب‌هایی که سرشار از توهین به تشیع است - مثل کتاب‌های ابن تیمیه - عرضه می‌شود به نظر شما علت این دوگانگی چیست؟ و چه تدبیری باید اندیشیده شود.

□ البته برخی از این مشکلات از طریق سیاست‌های کلان و توسط مسئولان کشور در دیدارها، ملاقات‌ها و برخی پروتکل‌های فی مابین، باید حل و فصل شود. اما در سطح اندیشمندان و فرهیختگان کشورها، باید به طور جدی مطرح و مباحثه شود.

مشکلی که شما مطرح کردید بسیار مهم، جدی و قابل پیگیری است و باید روشن شود که چگونه بیش از هفتاد درصد از کتاب‌های اهل سنت به آسانی و با تسهیلات دولت ایران به فروش می‌رسد و بازار ایران بدون محدودیت در اختیار آنان قرار گرفته اما از طرف آنها، محدودیت‌ها و مشکلات بسیاری برای ناشران کتاب و کتاب ایرانی و شیعی قرار داده شده است.



از این حمایتها را به هدر داده است.

من خبر دارم که بسیاری از کتابهای خریداری شده به کشورهای همسایه و حتی به هندوستان برده شده است. به نظر من بهترین راه حل آن است که، خرید کتاب آزاد شود و حمایت به صورت ارز یارانه‌ای در نمایشگاه کتاب حذف گردد و دولت به جای این‌گونه حمایت از کتاب، از مراکز پژوهشی و علمی برای خرید منابع مورد نیاز مستقیماً حمایت کند و لیست آن را هم در اختیار افکار عمومی قرار دهد تا محققان و پژوهشگران بدانند کتابخانه‌ها و مؤسسات گوناگون با حمایت دولت، کتابهای مورد نیاز آنها را خریداری و به آسانترین شیوه ممکن در اختیار آنها قرار می‌دهند.

این کار، هم از انباشت سرمایه جلوگیری می‌کند و هم مانع بروز بسیاری از تخلفات می‌شود. همچنین از ازدحام بیش از حد و مشکلاتی که در زمینه تهیه کارت خرید و انتخاب کتاب و تحویل کتاب از انبار وجود دارد، جلوگیری می‌شود. متأسفانه با وضعیتی که نمایشگاه کتاب تهران در سالهای اخیر پیدا کرده، بسیاری از متفکران و اساتید حوزه و دانشگاه، امکان حضور در نمایشگاه را از دست داده‌اند و به قول معروف عطاپیش را به لقایش بخشیده‌اند! شما اگر یک بررسی اجمالی از فرآیند تهیه یک عنوان کتاب در نمایشگاه داشته باشید، می‌بینید چه میزان توان، زمان و نیروی انسانی لازم است تا آن کتاب - اگر در مراحل آخر به شما جواب ندهند که متأسفانه کتاب مورد نظر شما تمام شده است! - به دست شما برسد.

نتیجه این که تنها راه حل، آزاد شدن خرید کتاب است که در نهایت، هم به سود ناشر و هم به سود خریداران محترم کتاب خواهد بود و در کنار آن، حمایت از کتابخانه‌ها و مراکز علمی، پژوهشی برای

■ یکی از مشکلات دیگری که در بخش ناشران عرب و شاید بخش خارجی نمایشگاه کتاب تهران مطرح است، سیستم حمایتی و عرضه کتاب است. به نظر می‌رسد بسیاری از ناشران، به ویژه ناشران اهل سنت از بازار بالقوه مناسب و خوبی برای فروش کتاب بهره‌مند هستند. از طرفی مشاهده می‌شود که بسیاری از همین کتابها، مجدداً وارد سیستم توزیع و کتاب‌فروشیها - حتی در کشورهای خارجی - شده و نوعی دلالی و واسطه‌گری به وجود آمده است و البته همه اینها به خاطر تفاوت قیمت و مابه‌التفاوتی است که دولت پرداخت می‌کند. در این رابطه چه نظری دارید و پیشنهاد شما برای حل این مشکل چیست؟

□ شما به مسئله بسیار مهمی اشاره کردید. واقعیت این است که منشأ همه اینها به نحوه حمایت و یارانه‌ای برمی‌گردد که از گذشته پایه‌گذاری شد و هنوز هم ادامه دارد و متأسفانه بر مشکلات و تخلفات آن هم، در هر دوره افزوده می‌شود.

اگر به نمایشگاه‌های کتاب در دنیا نگاه کنید، می‌بینید به غیر از دو یا سه کشور مثل لیبی و مالزی، هیچ کشور دیگری، مانند کشور ما، به کتاب یارانه پرداخت نمی‌کند. در همه دنیا نمایشگاه برگزار می‌شود و استقبال هم خوب است؛ یارانه هم نمی‌دهند و از این رو با بسیاری از مشکلات و تخلفات و فسادها هم دست به گریبان نیستند.

متأسفانه با نحوه حمایتی که در کشور ما در حال حاضر از کتاب می‌شود، به جای آنکه اهل فکر و اندیشه و فرهنگ و مراکز پژوهشی از یارانه‌های اختصاص یافته بهره‌مند شوند، بیشتر دلالها و واسطه‌ها سود برده‌اند و این مسأله به خصوص در سالهای گذشته بخش زیادی

اگر به نمایشگاه‌های کتاب در دنیا نگاه کنید، می‌بینید به غیر از دو یا سه کشور مثل لیبی و مالزی، هیچ کشور دیگری، مانند کشور ما، به کتاب یارانه پرداخت نمی‌کند. در همه دنیا نمایشگاه برگزار می‌شود و استقبال هم خوب است؛ یارانه هم نمی‌دهند و از این رو با بسیاری از مشکلات و تخلفات و فسادها هم دست به گریبان نیستند.



در سال‌های اول به بهانه برگزاری نمایشگاه، افراد شاخصی دعوت می‌شدند. بسیاری از متفکران جهان عرب که در عین حال ناشر نیز بودند، مثل صاحب دارالفکر در سوریه و لبنان و برخی شخصیت‌های برجسته از مصر، در نمایشگاه حضور پیدا می‌کردند و با ناشران ایرانی به تبادل نظر می‌پرداختند. به نظر بنده لازم است که این نوع کارها گسترش یابد و تقویت شود.

■ در مورد اطلاع‌یابی از وجود یک کتاب در بخش خارجی مشکلات زیادی وجود دارد و شاید به قول حضرت‌عالی، این مسأله باعث شده است که بسیاری از اندیشمندان و اساتید، عطای دیدار از نمایشگاه را به لقایش ببخشند! آیا این امکان برای مسئولان بخش بین‌الملل نمایشگاه کتاب تهران وجود ندارد که همزمان با نمایشگاه، راهنمای کتاب‌های خارجی را همزمان به صورت مکتوب و نرم‌افزاری و به صورت موضوعی منتشر کنند - مانند دلیل‌المعرض در نمایشگاه‌های کشورهای عربی و موارد مشابه - و آن را به علاقه‌مندان بفروشند؟

□ کاملاً صحیح است و نقص دیگری که در بخش خارجی وجود دارد و بنده قسمت عربی آن را توضیح می‌دهم همین مسأله اطلاع‌رسانی است که متأسفانه در حوزه عربی یا اصلاً وجود ندارد یا ناقص است.

بنده خودم در سال‌های گذشته در خدمت برخی شخصیت‌ها و بزرگان دینی شاهد بوده‌ام که اطلاعات درستی از طریق کامپیوتر، در اختیار آنها قرار نگرفته است. به عنوان نمونه از طریق عنوان کتاب، نام مؤلف، ناشر و... جست‌وجو کردیم، جواب منفی بود، اما یک روز بعد، همان کتاب را به صورت تصادفی داخل غرفه‌ای پیدا کردیم. خوب این مشکل یا ناشی از اطلاعات نادرستی است که به کامپیوتر داده شده یا فردی که متصدی اطلاع‌رسانی است، کارشناس نیست یا

روزآمد کردن منابع و تجهیز آنها به آخرین کتاب‌ها و آثاری که در خارج از کشور منتشر شده است، جنبه حمایتی را کامل می‌کند.

■ به نظر می‌رسد که نمایشگاه کتاب، علاوه بر مشکلاتی که در عرضه آثار خارجی با آن روبروست، از فلسفه اصلی برگزاری این‌گونه نمایشگاه‌ها که همان برگزاری نشست‌ها و میزگردهای تخصصی در زمینه‌های کتاب و به خصوص تولیدات آینده است. فاصله زیادی دارد و هنوز علی‌رغم برخی اقدامات، موفقیت زیادی نداشته است. دیدگاه شما در این زمینه چیست و در بخش ناشران عربی چه اقداماتی می‌توانیم انجام دهیم؟

□ ببینید همان مسأله یارانه‌ها متأسفانه همه توان و ظرفیت‌های فکری و برنامه‌ریزی ما را اشغال کرده است و ما را از اقدامات پایدار و اساسی دور کرده است. نمایشگاه‌های مشابه و مهم را در دنیا بررسی کنید، خواهید دید که زمان برگزاری آنها، حداکثر چهار تا پنج روز است و برنامه‌های جانبی، دارای اهمیت بیشتری از خود نمایشگاه کتاب است. در این نمایشگاه‌ها، متفکران و صاحبان اندیشه و خرد حاضر می‌شوند و آثار مهم را به نقد می‌گذارند. درواقع، جدیدترین تفکرات و اندیشه‌ها برای عرضه در بازار جهانی، ارزیابی می‌شوند، جلسات بررسی صنعت چاپ و نشر و تحولات آن در آینده مورد بحث قرار می‌گیرد یا... و اینها مهمترین کارهایی است که در این نمایشگاه‌ها صورت می‌گیرد. در کنار اینها، فرصتی هم به دست می‌آورد و با حداقل صرف وقت کتاب‌های موردنظر را انتخاب، خرید و برای ارسال بسته‌بندی می‌کنید.

ما باید این برنامه‌ها را با دعوت از متفکران و شخصیت‌های برجسته - که الحمدالله در کشورمان هم کم نیستند - گسترش دهیم و برنامه‌ریزی داشته باشیم که در روزهای نمایشگاه، چنین استفاده‌هایی ببریم.



علل دیگری دارد. به هر حال باید بررسی شود و مشخص شود که چه کسی پاسخگوست.

به نظر بنده و به عنوانی یک راه حل، مناسب است هر سال همزمان با نمایشگاه، همانگونه که کتاب‌های منتشر شده در کشور را در یک مجموعه ارزشمند به نام کارنامه نشر، عرضه می‌کنیم؛ باید راهنمای کتاب‌های خارجی نمایشگاه کتاب تهران را نیز، در اولین روز کاری نمایشگاه عرضه کنیم. این راهنما چنانچه به صورت موضوعی تدوین شود از اتلاف وقت جلوگیری می‌کند. این اقدام در بسیاری از نمایشگاه‌های کتاب خارجی مانند نمایشگاه کتاب سوریه انجام می‌گیرد. همچنین در نمایشگاه کتاب در کشورهای امارات، کویت، مصر، یمن، عمان و دیگر نمایشگاه‌ها با عنوان دلیل‌المعرض در دو یا چند جلد از روز اول برپایی نمایشگاه، تهیه می‌شود و به متقاضیان فروخته می‌شود. بنده و امثال بنده که معمولاً در این نمایشگاه‌ها به صورت فردی یا گروهی شرکت می‌کنیم، نخستین کاری که می‌کنیم، می‌رویم سراغ همین دلیل‌المعرض تا ببینیم چه کتاب جدید و تازه‌ای و توسط چه ناشری چاپ شده و موقعیت و محل استقرار او در نمایشگاه کجاست. برخی کشورها علاوه بر ترتیب القاب، نمایه‌های مؤلفان و ناشران و تعداد عناوین هر ناشر شرکت‌کننده در نمایشگاه را نیز مشخص کرده‌اند. نتیجه این که شما وقتی قبل از ورود به نمایشگاه، از عناوین کتاب‌های جدید و تعداد آنها و محل استقرار ناشر آن نیز مطلع باشید، با برنامه‌ریزی بهتر و صرف وقت کمتر به مطلوب خواهید رسید.

به هر حال بنده فکر می‌کنم جای چنین کاری برای کتاب‌های خارجی خالی است. اگرچه در سال‌های اخیر، اسامی کتاب‌ها و بعضی اطلاعات دیگر را از طریق لوح فشرده ارائه می‌کنند، اما به نظر می‌رسد، علاوه بر مشکلاتی که گفتم، هنوز رایانه به صورت همه‌گیر و عمومی درنیاورده است. حتی در چند کتابخانه که بنده ارتباط دارم،

امکاناتی فراهم شد تا محققان برای کارهای پژوهشی از رایانه استفاده کنند، اما چندان استقبال نشد و در عوض جواب دادند که کتاب راحت‌تر است و ما ترجیح می‌دهیم مثلاً از همین فهرست مکتوبی که تهیه شده است، استفاده کنیم. از این رو پیشنهاد مشخص بنده این است که - ان شاء الله - دست‌اندرکاران نمایشگاه برای سالهای آینده این کار را سامان دهند تا از اتلاف وقت بزرگان و فرهیختگان محترم جلوگیری شود.

البته ما برای این کار از یک نمونه و تجربه بسیار ارزشمند نیز برخورداریم و آن کتاب مرجع ۲۰۰۰ است که در نمایشگاه بین‌المللی تخصصی کتاب‌های اسلامی به عنوان کاتالوگ نمایشگاه، معرفی شد و به اذعان مراکز تحقیقاتی و پژوهشگران محترم، روش و اقدام بسیار مناسب و خوبی در راهنمایی محققان و متقاضیان کتاب برای دستیابی آسان و سریع به منبع موردنظر بود. تهیه این کاتالوگ و چینش و غرفه‌بندی موضوعی کتاب‌ها در نمایشگاه کتاب‌های اسلامی، دو اقدام و تجربه ارزشمند و مهمی بود که چنانچه به صورت دائمی و به صورت نهادینه در نمایشگاه کتاب تهران نیز اجرا شود، بخشی از مشکلات موجود آن را برطرف خواهد کرد و از اتلاف وقت جلوگیری خواهد شد.

■ در مورد بخش عربی نمایشگاه می‌خواستم ببینم آیا شما و مسئولان نمایشگاه، ارزیابی از درصد کتاب‌هایی که هر سال نسبت به دوره قبل تازه و جدید است، دارید و آیا معیار و ضوابطی برای عرضه آثار جدید و محدودیت در ارایه آثار سال‌های قبل وجود دارد؟ □ البته بنده در ارزیابی‌ها دخالت ندارم اما می‌توانم به عنوان کسی که در نمایشگاه حضور مرتبی دارد و از برخی جزئیات، مطلع است، عرض کنم که: آن‌گونه که از نمایشگاهی به گستردگی نمایشگاه کتاب تهران انتظار می‌رود، آثار و کتاب‌های جدید نمی‌آید و

شاید این مسأله هم معلول قضیه یارانه و حمایت‌های دولتی باشد که باعث شده ناشران عرب، کتاب‌هایی را به تهران بیاورند که اولاً از خریدش مطمئن باشند و ثانیاً چون اطلاع دارند که در ایران و در نمایشگاه برای کتاب، یارانه قابل توجهی پرداخت می‌شود، کتاب‌های حجیم و سنگین را بیشتر می‌آورند و البته می‌دانند، فروش هم خواهد رفت. موارد بسیار زیادی اتفاق افتاده که کتاب‌های جدید و تازه‌ای در همان سال برگزاری نمایشگاه تهران در نمایشگاه‌های کتاب سوریه یا بازار لبنان یا کشورهای دیگر عرضه شده اما در نمایشگاه تهران ارایه نمی‌کنند. توجیهی که ممکن است برخی افراد بکنند که شاید به خاطر ممیزی است، بنده عرض می‌کنم که به هیچ وجه صحیح نیست و ممیزی شاید حداکثر نیم درصد کل این گونه آثار را دربرگیرد و دلیل اصلی، همان مسأله یارانه است و ناشران و نمایندگان آنها هم می‌دانند که اگر آن کتابها در تهران عرضه شود، فروش می‌رود، اما چون حجم کمی دارد و از طرفی در کشورهای عربی هم فروش آنها خوب است، انگیزه زیادی برای ارایه آنها ندارند.

همینطور کتاب‌هایی در تهران عرضه می‌شود که بعضاً مربوط به سال‌های قبل است، اگرچه اخیراً برای خالی از عریضه نبودن یک مهر می‌زنند و تاریخ تولید را هم تغییر می‌دهند! یا اسم کتاب یا مؤلف آن را مقداری این ور و آن ور می‌کنند تا از برخی قوانین نمایشگاه هم پیروی کرده باشند! اما به هر حال هسته و ماده اصلی همان مطلب گذشته است.

البته اسامال تمهیداتی اتخاذ شد تا با این ترندها مقابله شود. اما با شرایط و برنامه‌های حال حاضر، باز هم شاهد هستیم که در نمایشگاه تهران، کمتر کتاب‌های نو عرضه می‌شود و کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی باز هم برای تهیه منابع خود، چشم به نمایشگاه‌های خارجی دارند و متأسفانه این نمایشگاه نتوانسته است انتظارات کتابخانه‌ها و مراکز علمی کشور را به منابع و کتاب‌های جدید، برآورده سازد.

■ سؤال دیگر در ارتباط با موضوع کتاب‌هایی است که در بخش عربی نمایشگاه تهران عرضه می‌شود. در حالی که در دنیای عرب شاهد ارایه اندیشه‌ها و افکار جدید در زمینه‌های گوناگونی هستیم اما در این بخش نمایشگاه، علاوه بر ارایه آثار حجیم، موضوعات اسلامی و حوزه دین حرف اول و آخر را می‌زند، ارزیابی شما از این مسأله چیست؟

□ همان گونه که در پاسخ قبلی عرض کردم، نگاه ناشر عرب در این نمایشگاه، دیدگاه تاجرانه است، به گونه‌ای که اگر در جای دیگر ضرر کرده باشد، در اینجا به نحوی آن را جبران کند، در نتیجه او ترجیح می‌دهد آن گونه کتاب‌هایی که شما اشاره کردید با توجه به بازار فروشی که در کشورهای دیگر دارد را در اینجا عرضه نکند و نگاه غالب

به بخش عربی به طور سنتی، عرضه کتاب در موضوعات اسلامی است. اگرچه در یکی دو سال گذشته در برخی موضوعات نظری و مسایل اقتصادی کتاب‌هایی عرضه شده و کم هم نبوده، اما با توجه به نگاه اولیه به این بخش، عرضه این آثار، چشمگیر نبوده است.

به نظر بنده باید تحولی در این بخش انجام گیرد و ناشران عرب تشویق و ترغیب شوند و اصولاً مکانیزم صحیح برای نمایشگاه تعریف شود که علاوه بر عرضه آثار حجیم و مباحث ترائی و کتاب‌های گذشتگان، آثار جدید در حوزه‌ها و مباحث علوم جدید نیز ارایه شود. ضرورت این کار، با توجه به تولیدات و آثار ارزشمندی که در کشورهای مثل مصر، لبنان، مغرب، تونس، و برخی ممالک دیگر عربی وجود دارد، دوچندان است.

نگاه ناشر عرب در این نمایشگاه، دیدگاه تاجرانه است، به گونه‌ای که اگر در جای

دیگر ضرر کرده باشد، در اینجا به نحوی آن را جبران کند، در نتیجه او ترجیح می‌دهد آن گونه کتاب‌هایی که شما اشاره کردید با توجه به بازار فروشی که در کشورهای دیگر دارد را در اینجا عرضه نکند و نگاه غالب به بخش عربی به طور سنتی، عرضه کتاب در موضوعات اسلامی است.

■ تولید فکر و اندیشه در کشورهای عربی اگرچه عالی نیست اما خوب است، به خصوص مصریها خوب کار می‌کنند و لبنانیها نیز فعالند و بخشی از فعالیت‌های آنها هم در نمایشگاه تهران ارایه می‌شود، اما جامعه علمی و فرهنگی ما از بسیاری از اندیشه‌های مکتوب جهان عرب به خصوص از کشورهای مانند مغرب، تونس و... در این نمایشگاه بهره کافی نمی‌برد. به نظر شما چگونه می‌توان از این رویداد فرهنگی جهت تعاطی و تعامل افکار و اندیشه‌ها استفاده کرد؟

□ به مطلب مهم و نکته درخور توجهی اشاره کردید، همانطور که گفتید در نمایشگاه، آرا و اندیشه‌های علمی جهان عرب آن گونه که باید و شاید نه وارد می‌شود و نه در نشستهای تخصصی، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. یکی از دلایل مهم، شاید عدم اطلاع کافی و کامل از این اندیشه‌ها باشد و شما شاهد هستید که برخی از کتاب‌های عربی از راه‌های دیگری غیر از نمایشگاه و به صورت محدود، وارد می‌شود و یا اخیراً از طریق رسانه‌ها و به خصوص اینترنت، افراد و مراکز خاصی در کشور از آنها اطلاع پیدا می‌کنند. اما به نظر بنده تمام این اطلاعات‌رسانی‌ها و تعاملات باید از طریق نمایشگاه کتاب صورت گیرد و مسئولان باید به هر طریق ممکن و با برنامه‌ریزی صحیح، مسیر نمایشگاه را به این گونه اهداف سوق دهند.

اگر برنامه‌ریزی درست صورت گیرد و حمایت‌های دولت هم هدف‌مند شود، علاوه بر جلسات نقد و بررسی جدیدترین کتاب‌های بخش عربی، امکان هدایت یارانه‌ها به سمت حمایت از ترجمه آثار برتر و شاخص عربی و انتشار آنها در جامعه علمی و فرهنگی کشور، یکی از مهمترین و بهترین گام‌هایی است که می‌توان برداشت و این خود کمک بزرگی به تعامل و تبادل اندیشه و گفت‌وگوی فرهنگی جوامع عربی و ایران است.

■ یکی از مسایل بخش عربی، عدم رعایت قانون کپی‌رایت آثار ایرانی از طرف برخی ناشران عرب است. این موضوع اگرچه به عدم

پیوستن ایران به معاهده یرن ارتباط دارد، اما عدم رعایت آن از طرف ناشران ایرانی در نمایشگاه‌های کتاب خارجی و حتی عربی، موجب بروز مشکلاتی برای آنها و در بعضی موارد موجب هتک حرمت آنها و خدشه به اعتبار ایران گردیده است. به نظر حضرتعالی این دوگانگی، چگونه توجیه می‌شود و چه تدابیری در این زمینه باید اتخاذ کرد؟

□ به نکته خوبی اشاره کردید، این مسأله وجود دارد و متأسفانه زیاد هم هست و من اگر بخواهم موارد آن را بگویم، شاید ده‌ها عنوان را بتوانم معرفی کنم. دو سال پیش، از چند ناشر لیست تهیه شد که آثار زیادی را قطعاً بدون رعایت کپی‌رایت، تنها با تعویض جلد به صورت افست و برخی موارد با تغییر قلم حروفچینی و به نام نشر خودشان، عرضه کرده بودند و هنگامی که ناشر یا مؤلف ایرانی به آنها اعتراض می‌کرد، با دادن ده جلد یا چند دوره کتاب، او را ساکت می‌کردند و این متأسفانه به خاطر همان عدم حمایت و پشتوانه قانونی است که ما از آن بی‌بهره‌ایم. در نتیجه ناشر یا مؤلف ما قطعاً نمی‌تواند از حقوق خود دفاع کند و احیاناً حیثیت و آبروی کشور نیز آسیب می‌بیند.

به نظر من با توجه به تولید آثار و کتاب‌های مفیدی که در کشور صورت می‌گیرد و همینطور آثار ترائی که مورد استقبال جوامع علمی و فرهنگی جهان عرب نیز می‌باشد، می‌توانیم رقابت خوبی بین ناشران ایرانی و عرب به وجود آوریم.

برای این کار، می‌توانیم بخشی از یارانه‌های کتاب را در این بخش هزینه کنیم و بسیاری از کتاب‌های عربی که در ایران هم مخاطب زیادی دارند را با توجه به هزینه‌های کمتر چاپ و نشر کتاب در کشور، منتشر کنیم.

بنده در چند مورد، برخی ناشران معروف عرب را برای دیدار به کتابخانه علوم حدیث و دارالحدیث دعوت کردم و آنها وقتی کتاب‌های چاپ ایران را از لحاظ محتوا و کاغذ و صحافی و غیره ملاحظه کردند، باورشان نمی‌شد که این‌ها کار ایران باشد. بنابراین ما در این زمینه‌ها بسیار پیشرفت کرده‌ایم و استعداد زیادی وجود دارد که براساس آن رقابت سالم و خوب و سازنده‌ای را هم، در زمینه ورود و هم صدور کتاب با ناشران عرب داشته باشیم.

■ آیا شما تاکنون ارزیابی از دیدگاه ناشران بخش عربی از بازار نشر ایران داشته‌اید؟

□ به طور کلی دیدگاه ناشران بخش عربی مانند ناشران داخلی دوگونه است. گروهی نگاه تجاری به نشر و کتاب دارند و با همان دید و برنامه وارد نمایشگاه می‌شوند و گروهی دیگر، افرادی فرهنگی و صاحب اندیشه و تفکر هستند که با دیدگاه غیرسوداگرانه به نمایشگاه می‌آیند. بعضی از این افراد، از عشق و علاقه زیاد ایرانیان به آموختن و کسب اطلاعات جدید تعجب می‌کنند و می‌گویند ما از این که

می‌بینیم بسیاری از ایرانیان چشم به راه محصولات و تولیدات نو علمی به خصوص در موضوعات دینی هستند، متعجب می‌شویم.

در مواردی همین ناشران وقتی به کشور خود یا به کشورهای دیگر می‌روند، برای دوستان و همکارانشان از ایران به عنوان یک مرکز تشنه مسایل جدید و اسلامی یاد می‌کنند و آن را جامعه‌ای پویا و مردم آن را افرادی اهل نظر و فکر و جستجوگر معرفی می‌کنند. آنها بازار ایران و به خصوص، وضعیت قم و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ایران را در حد ایده‌آل و کاملاً طالب اندیشه‌های نو می‌دانند.

برخی از اندیشمندان آنها معتقدند که یک نهضت فکری و علمی و فرهنگی و دینی در مراکز علمی ایران در حال شکل‌گیری و رشد سریع است. به عنوان نمونه رئیس اتحادیه ناشران عربی می‌گفت: واقعاً ما احساس می‌کنیم یک انقلاب فکری و دینی در مراکز تحقیقاتی ایران در چند سال اخیر شکل گرفته و علی‌رغم همه کاستی‌ها و نواقصی که وجود دارد، حرکتی پسنیدیده و مثبت داشته و روند رو به جلوی خوبی هم دارد.

همه اینها ضمن این که وظیفه برنامه‌ریزان و مسئولان فرهنگی کشور را سنگین‌تر می‌کند، نشان از ظرفیت بالای فرهنگی کشور و امکان تبادل اندیشه‌ها و زبان جهانی آثار اسلامی و ایرانی دارد.

■ به عنوان سؤال آخر، ارزیابی کلی شما از نمایشگاه کتاب تهران چیست؟

□ به نظر بنده و علی‌رغم نظرات بسیار مثبتی که برخی اندیشمندان و ناشران خارجی از وضعیت کتاب و کتابخوانی در کشور دارند و با عنایت به مسایل و مشکلاتی که قبلاً ذکر شد، ما در زمینه مخاطب‌یابی و هدفمند کردن خرید کتاب‌های خارجی، نیاز به یک ارزیابی داریم که واقعاً چه درصدی از مراجعان به نمایشگاه تهران مخاطبان هدف هستند؟

اعتقاد شخصی بنده این است که بسیاری از مراجعه‌کنندگان به نمایشگاه، به دلیل پرداخت یارانه، مخاطب واقعی نیستند. این مطلب را در مقایسه با نمایشگاه‌هایی مثل قاهره عرض می‌کنم. چون شما در آنجا بیشتر افراد را مخاطب واقعی می‌بینید که به دنبال گمشده‌ای می‌گردند و پس از آن که آن را پیدا کردند، تهیه می‌کنند و می‌روند و شاید بتوان گفت بالای ۹۵٪ مراجعه‌کنندگان، مخاطبان واقعی نمایشگاه هستند. اما در نمایشگاه تهران حقیقتاً نمی‌توانیم درصد بالایی را مخاطب حقیقی نمایشگاه بدانیم که واقعاً برای خرید کتاب و مطالعه و استفاده کامل از آن آمده باشند و این مسأله، علاوه بر ایجاد مشکلاتی از قبیل ازدحام بیش از حد و صرف وقت و هزینه بیشتر، برای آن دسته از علاقه‌مندان واقعی آثار جدید خارجی، نمایشگاه کتاب تهران را در مقایسه با نمایشگاه‌های معتبر خارجی از اهمیت کمتری برخوردار کرده است.

به نظر من

با توجه به تولید

آثار و کتاب‌های مفیدی که

در کشور صورت می‌گیرد و

همینطور آثار ترائی که مورد استقبال

جوامع علمی و فرهنگی جهان عرب نیز

می‌باشند، می‌توانیم رقابت خوبی

بین ناشران ایرانی و

عرب به وجود

آوریم.